

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۹۶

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

سنجش امنیت غذایی و واکاوی چالش‌های آن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان بدر، شهرستان روانسر)

داود جمینی؛ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی اصفهان و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد سنندج،

دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

عباس امینی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

حامد قادمرمزی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

جعفر توکلی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۰

صص ۱۰۲-۸۷

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

چکیده

جوامع روستایی با تأمین بیش از دوسوم مواد غذایی، نقش قابل توجهی را تأمین امنیت غذایی کشور ایفا می‌کنند. با این وجود شواهد نشان می‌دهد وضعیت تأمین‌کنندگان اصلی امنیت غذایی کشور در اثر عللی که تاکنون به آن توجه نشده است، حداقل در مقایسه با جوامع شهری، در وضعیت نامساعدی قرار دارد. از این‌رو هدف از پژوهش ترکیبی حاضر سنجش امنیت غذایی و تبیین چالش‌های پیش‌روی آن در مناطق روستایی کشور است که به صورت موردی در میان سرپرستان خانوار ساکن در ۲۴ سکونتگاه روستایی دهستان بدر واقع در شهرستان روانسر انجام گرفته است. در بخش کمی پژوهش حاضر برای سنجش امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد و جهانی وزارت کشاورزی آمریکا که روایی و پایایی آن در مطالعات متعددی تأیید شده است، استفاده شد. در این مرحله ۱۷۵ نفر از سرپرستان خانوار به‌عنوان نمونه آماری برآورد شده و نظرات آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کیفی، گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با افراد کلیدی و مطلع با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با روش گلوله برفی، تا رسیدن به مرحله اشباع تئوریک ادامه داشت و داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش نظریه داده بنیاد (GTM) تحلیل شده‌اند. نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه در شرایط نامساعدی قرار دارد به این صورت که ۶/۳ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی، ۹/۷ درصد در شرایط ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۵/۱ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۵۸/۹ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی شدید قرار گرفته‌اند و بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ امنیت غذایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین، نتایج بخش کیفی پژوهش در ارتباط با چالش‌های امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه نشان داد پنج چالش اساسی امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه که به‌صورت زنجیره‌واری با همدیگر در ارتباط هستند، عبارت‌اند از: ضعف سیاست‌گذاری‌ها، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، امنیت غذایی، ناامنی غذایی، دهستان بدر.

بیان مسأله:

بر اساس گزارش فائو در راستای دستیابی به اهداف توسعه هزاره، در سال ۲۰۱۵ اولین هدف، ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی در جهان است (Leunufna and Evans, 2014: 125). بررسی‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر در سراسر جهان، صدها میلیون نفر وجود دارند که از سطح قابل قبولی از امنیت غذایی برخوردار نیستند و خطر جدی برای تغذیه بیش از ۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ وجود دارد. برای پاسخگویی به این نگرانی‌ها، معاون دبیر کل فائو اعلام کرد برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده مواد غذایی، باید تولیدات کشاورزی ۷۰ درصد در سراسر جهان و حدود ۱۰۰ درصد در کشورهای در حال توسعه افزایش یابد (Smyth et al, 2015: 16; See et al, 2015: 37).

به طور کلی، امنیت غذایی هدفی است که در پس آن اهداف مهم دیگر اقتصادی نهفته است، که هر یک از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. توجه به امنیت غذایی در ایران همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی بوده (Mehrabani and Owhadi, 2014: 112) و ارتقاء سطح امنیت غذایی در قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، مورد توجه خاص و ویژه قرار گرفته است (Esmailifar, 2014: 41). شواهد نشان می‌دهد در ایران، روستاییان با فعالیت خود در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی، بیش از ۸۷ درصد منابع موردنیاز برای تأمین امنیت غذایی کشور را تهیه می‌کنند (Seydaei et al, 2013: 88). با این وجود انتظار می‌رود خانوارهای روستایی که عمدتاً تأمین‌کننده مواد غذایی کشور هستند، از نظر نوع و میزان، دسترسی کاملی به مواد غذایی داشته باشند، با این وجود، نتایج مطالعات متعددی در ارتباط با امنیت غذایی در نواحی روستایی کشورمان (Sharafkhani et al, 2011: 128; Ferotanfard, 2013: 112; Asgharian et al, 2013: 87; Savari et al, 2014: 3013; Saadi, 2014: 483; Rostami et al, 2014: 725) نشان می‌دهد که شدت ناامنی غذایی در جوامع روستایی کشورمان به‌صورت قابل توجهی، بیشتر از نقاط شهری است. این در حالی است که در کشورمان تاکنون در ارتباط با مشکلات امنیت غذایی روستاییان تحقیق منسجمی انجام نگرفته است و در این زمینه خلأ مطالعاتی شدیدی وجود دارد. بنابراین، محققان با انتخاب روستاهای دهستان بدر، از توابع شهرستان روانسر به‌عنوان محدوده مورد مطالعه، در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر هستند:

- وضعیت امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر چگونه است؟
- آیا بین ۲۴ نقطه روستایی دهستان بدر به لحاظ وضعیت امنیت غذایی، تفاوت معناداری وجود دارد؟
- مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر کدامند؟

پیشینه نظری تحقیق :

امنیت غذایی یک مفهوم انعطاف‌پذیر است و تلاش‌های زیادی برای تعریف آن در تحقیقات مشاهده می‌شود. در نتیجه تعاریف متعددی برای امنیت غذایی ارائه شده است. بر اساس نظر ماکسول و اسمیت تا سال ۱۹۹۲، بیش از ۲۰۰ تعریف از امنیت غذایی ارائه شده است و از آن زمان تاکنون تعاریف بیشتری از امنیت غذایی در حال ارائه شدن هستند (Irving, 2011: 2). با این وجود متداول‌ترین و رایج‌ترین تعریف از امنیت غذایی به تعریف اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ مربوط می‌شود. در این تعریف امنیت غذایی در یک جامعه زمانی وجود دارد که: "همه مردم، برای برآورده کردن نیازهای غذایی و با در نظر گرفتن ترجیحات غذایی برای یک زندگی فعال و سالم، به‌صورت تمام‌وقت، به غذای کافی و سالم دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند" (Anderson and Strutt, 2014: 50; Bala et al, 2014: 153). این تعریف بر اساس کار کلیدی و محوری آمارتیا سن در سال ۱۹۸۱ پایه‌ریزی شد که نشان داده است که قحطی تنها به دلیل کمبود مواد غذایی نیست و از نابرابری مکانیزم توزیع مواد غذایی نیز تأثیر می‌پذیرد (Irving Ingram, 2011: 2). طرف مقابل امنیت غذایی ناامنی

غذایی است که بر اساس آخرین تعاریف عبارت است از: "دسترسی محدود و نامشخص به مواد غذایی کافی و سالم" و یا "ناامنی غذایی توانایی محدود و نامشخص برای به دست آوردن مواد غذایی قابل قبول از راه‌هایی که، به لحاظ اجتماعی مقبول هستند"، تعریف شده است. ناامنی غذایی از مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه جامع است و آثار مخرب جسمی، روانی، اجتماعی و تهدید رفاه توسط ناامنی غذایی، ثابت شده است (Shtasel-Gottlieb, 2015: 215).

در گزارشی از فائو در ارتباط با ناامنی غذایی در سال ۲۰۰۲، چهار عنصر برای امنیت غذایی در نظر گرفته شد: موجودیت مواد غذایی؛ دسترسی به مواد غذایی؛ استفاده از مواد غذایی^۲ و پایداری سیستم مواد غذایی^۴. در موجودیت، تمرکز روی تولید مواد غذایی است و در دسترسی، تمرکز روی توانایی مردم برای به دست آوردن غذا از طریق تولید، خرید یا انتقال مواد غذایی است. در استفاده از مواد غذایی، تمرکز روی ارزش تغذیه‌ای مواد غذایی است و استفاده از مواد غذایی در تعامل با شرایط فیزیولوژیکی و ایمنی مواد غذایی است در حالی که در پایداری سیستم مواد غذایی، تمرکز روی عرضه مواد غذایی و دسترسی به آن و همچنین، توانایی تأمین مواد غذایی در شرایط اضطراری است (Msangi, 2014: 4). با توجه به اهمیت امنیت غذایی در توسعه جوامع بشری در ارتباط با سنجش وضعیت آن به‌ویژه در نقاط روستایی مطالعات متعددی انجام گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره خواهد شد. نتایج پژوهش Sharafkhani et al (2011) با هدف بررسی شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار در دهستان قره‌سو واقع در شهرستان خوی نشان داد ۵۹/۴ درصد افراد مورد مطالعه در شرایط ناامن غذایی قرار داشته‌اند. نتایج پژوهش Ferotanfar (2013)، با هدف بررسی وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در خانوارهای روستایی دهستان بالادربند در شهرستان کرمانشاه با استفاده از پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای وزارت کشاورزی آمریکا نشان داد ۵/۱ درصد خانوارها را در طبقه امن، ۶۸/۳ درصد در ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۴/۹ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۱/۷ درصد در گروه ناامنی غذایی با گرسنگی شدید قرار گرفته‌اند. در این رابطه نتایج پژوهش Savari et al (2014)، در بین زنان روستایی شهرستان دیواندره نشان داد امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه در وضعیت نامناسبی (۳۶/۶۱ درصد امن و ۶۳/۳۹ درصد ناامن) قرار دارد. همچنین، نتایج بررسی وضعیت امنیت غذایی در مطالعات Saadi et al (2014)، در رابطه با خانوارهای کشاورز شهرستان قروه Saadi and Moaddab (2014) در رابطه با زنان سرپرست خانوار شهرستان رزن استان همدان، Asgharian et al (2013) در ارتباط با خانوارهای روستایی شهرستان کیار، Rostami et al (2014) در روستای کرناچی واقع در شهرستان کرمانشاه و Najafianzadeh et al (2015) در خانوارهای روستایی شهرستان اراک نشان داده‌اند امنیت غذایی در میان سرپرستان خانوارهای مورد بررسی در وضعیت نامناسبی قرار دارد. نتایج پژوهش Nord et al (2010) در سنجش امنیت غذایی خانوارهای آمریکایی با استفاده از پرسشنامه ۱۸ سوالی وزارت کشاورزی ایالات متحده نشان داد ۸۵ درصد آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۹، امنیت غذایی کامل داشته‌اند، و ۱۴/۷ درصد افراد در ناامنی غذایی بوده‌اند. در بین ۱۴/۷ درصد مذکور، ۵/۷ درصد دارای ناامنی غذایی شدید بوده‌اند. نتایج مطالعه Bashir et al (2012) در ارتباط با امنیت غذایی خانوارهای روستایی در ایالت پنجاب نشان داد، ۲۶ درصد از خانوارهای مورد مطالعه امنیت غذایی مناسبی ندارند. نتایج پژوهش Siyoum (2012) با هدف بررسی امنیت غذایی و معیشت روستاییان در اتیوپی نشان داد با وجود اجرای دو برنامه حمایتی برای بهبود امنیت غذایی روستاییان، در این کشور ناامنی غذایی شدید، همچنان ادامه دارد. در هر صورت، امروزه تأمین امنیت غذایی با چالش‌هایی مواجه است. لستر براون^۵ بنیان‌گذار و رئیس موسسه سیاست زمین^۶ و آشننگتن دی سی، ده چالش عمده امنیت غذایی جهان را به صورت زیر عنوان کرد. (جدول شماره ۱):

۱- Food Availability

۲- Food Accessibility

۳- Food Utilization

۴- Food System Stability

۵- Lester Brown

۶- Earth Policy Institute

جدول ۱- ده چالش عمده امنیت غذایی جهان

چالش	شرح
افزایش جمعیت	روزانه ۲۱۹۰۰۰ نفر به جمعیت دنیا افزوده می‌شود
افزایش درآمد و تغییر رژیم غذایی	بهبود شرایط اقتصادی بعضی از کشورها مانند چین که سالانه ۸ میلیون نفر به جمعیت آن اضافه می‌شود و غذای اصلی آن‌ها غلات بوده، سبب گرایش آن‌ها به مصرف غذاهای غربی شده و در آینده با توجه به جمعیت ۱/۴ میلیارد نفری این کشور، نیاز بیشتری به تولید دام، طیور و غذاهای غنی شده خواهد بود
کاهش آب سفره- های زیرزمینی	غلات مورد استفاده حدود ۱۹۰ میلیون نفر در هند با برداشت بیش از حد از آب زیرزمینی تولید می‌شود. این عدد برای چین ۱۳۰ میلیون نفر است. سه کشور چین، هند و ایالات متحده که نیمی از غلات جان را تأمین می‌کنند، منابع آبی زیرزمینی را تهدید می‌کند.
افزایش روزهای بدون غذا	در کشور نیجریه ۲۷ خانواده‌ها روز بدون غذا را تجربه کرده‌اند. این میزان در هند ۲۴ درصد و در پرو ۱۴ درصد است. با وجود افزایش محدودیت‌ها، هر سال ۸۰ میلیون نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود
روند کند آبیاری	در حال حاضر تأمین آب، مهم‌ترین محدودیت برای تولید مواد غذایی در جهان است. در طول نیمه دوم قرن ۲۰، نواحی تحت آبیاری در جهان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ از ۲۵۰ میلیون آکر (هر آکر ۸۵۶۴۲ ۴۰۴۶ متر مربع) به ۷۰۰ میلیون آکر در سال ۲۰۰۰ افزایش پیدا کرد (حدود ۳ برابر). اما طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، تنها ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده است.
افزایش فرسایش خاک	خاک سطحی حدود یک‌سوم از اراضی زراعی در جهان در حال فرسایش است و این فرسایش با کاهش حاصلخیزی خاک، تهدیدی برای تولید مواد غذایی است.
تغییر اقلیم	کشاورزی حدود ۱۱ هزار سال با شرایط نسبتاً ثابت آب و هوایی تکامل و توسعه پیدا کرده است و با این شرایط آب و هوایی حداکثر تولید از کشاورزی حاصل شده است. در حال حاضر به‌طور ناگهانی آب‌وهوا در حال تغییر است و هر سال به‌صورت فزاینده‌ای ناهماهنگی بین کشاورزی و سیستم اقلیمی بیشتر می‌شود
ذوب شدن ذخایر آبی	کوه‌های یخی در کوه‌های آند، راک، آلپ و یخچال‌های طبیعی در هیمالیا و تبت در حال ذوب شدن هستند. با ذوب شدن یخچال‌ها، کشاورزی اطراف رودخانه‌های سند، یانگ‌تسه و حوضه‌های مجاور آن‌ها که به شدت به آب این یخچال‌ها وابسته هستند، تهدید می‌شود و سبب کمبود مواد غذایی در آینده شود؛
تثبیت بازدهی محصولات	پس از چند دهه افزایش عملکرد غلات، کشاورزان در کشورهای پیشرفته به در تولید محصولات به سقف شیشه‌ای رسیده‌اند. این سقف تمایل شده، به‌واسطه محدودیت‌های فتوسنتز است. کشور ژاپن سردمدار بالابردن بهره‌وری محصول برنج است و افزایش عملکرد این محصول در این کشور در سال ۱۸۸۰ آغاز شد و در سال ۱۹۹۶، این افزایش متوقف شد. چنین اتفاقی برای محصول گندم در کشورهای با کشاورزی پیشرفته از جمله فرانسه، آلمان و انگلستان که جزو پیشروان تولید گندم در اروپا هستند، در یک دهه پیش اتفاق افتاده است. همچنین، بازدهی محصول ذرت در آمریکا، که ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند و دیگر محصولات در کشورهای آرژانتین، فرانسه و ایتالیا با رکود مواجه شده است
محدودیت زمان برای آماده‌سازی	واضح است ما در یک وضعیت سخت و خطرناکی قرار داریم و جهان نیازمند یک رهبری منسجم در ارتباط با مسأله امنیت غذایی است. توجه ویژه و اضطراری ما در زمان کنونی به تقویت امنیت غذایی باعث می‌شود که ما در سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۵۰ بحران مواد غذایی را نداشته باشیم

منبع: www.theglobalist.com

مروری بر تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که عدم پیگیری و در دستور کار قرار دادن مسائل امنیت غذایی در ارگان‌های دولتی، ملی و برنامه‌های داخلی، تقاضای فزاینده مواد غذایی، تغییرات اقلیم، کاهش مراتع، آفات و بیماری (Irving Ingram, 2011)، ضعف مکانیزاسیون کشاورزی، کمبود ظرفیت انبارها و صنایع سردخانه‌ای، شوک‌های آب و هوایی، تخریب شدید محیط‌زیست، سرمایه‌گذاری کم در بخش کشاورزی، خشکسالی و سیل، تخریب اراضی (Msangi, 2014)، کاهش منابع آب و افزایش جمعیت (Sultana et al, 2015)، سطح پایین تحصیلات تحصیلات بزرگسالان و به‌ویژه زنان، درآمد و ثروت محدود، فقر و افزایش قیمت مواد غذایی (Anderson and Strutt, 2014)، تغییر اقلیم و تأثیر منفی آن بر میزان دسترسی و عرضه آب

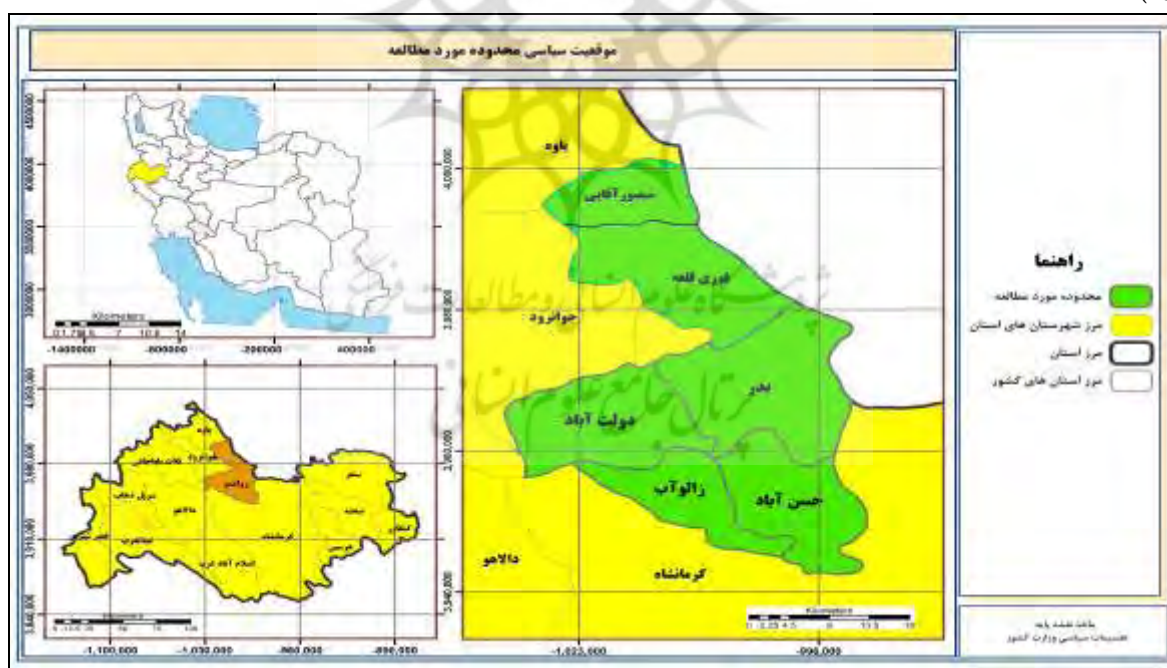
(Seaman, 2014)، از مهم‌ترین عواملی هستند که تأمین امنیت غذایی را با چالش‌هایی مواجه ساخته‌اند. همچنین، فقدان سیاست‌های پایدار در ارتباط با امنیت غذایی، محدودیت دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات پایه و اساسی، سیاست‌های نامناسب دولت‌ها و نوسان شدید قیمت محصولات و مواد غذایی (Anderman et al, 2014: 541)، مدیریت ضعیف محیط‌زیست، ضعف سیاست‌ها، تضعیف حاصلخیزی خاک، هجوم آفات، عدم دسترسی به تکنولوژی و امکانات اعتباری (Siyoum, 2012) از دیگر عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی هستند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین عنوان کرد که امروزه برای تأمین امنیت غذایی در سطوح جهانی، ملی و محلی، چالش‌های متعددی وجود دارد و با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشورها شدت چالش‌های مذکور متفاوت است. به‌طور کلی با توجه به مطالب عنوان شده اهداف پژوهش حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- سنجش امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بدر.
- اولویت‌بندی مولفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه.
- بررسی تفاوت مکانی بین ۲۴ نقطه روستایی واقع در دهستان بدر.
- شناسایی چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر.

محدوده مطالعاتی:

دهستان بدر واقع در بخش مرکزی شهرستان روانسر؛ شامل ۲۴ نقطه روستایی، و ۴۴۸۲ نفر و ۱۱۴۱ خانوار است. این دهستان به لحاظ مختصات جغرافیایی در ۶۴ تا ۶۷ درجه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۵۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (شکل ۱). بررسی وضعیت اشتغال در این دهستان نشان می‌دهد نرخ بیکاری در این دهستان ۳۲ درصد بوده و درصد شاغلان این دهستان در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۱۳ و ۰/۲۵ است (Statistical Centre of Iran, 2015).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی دهستان بدر منبع: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۹۰

روش تحقیق:

۱ - شهرستان روانسر شامل دو بخش (بخش مرکزی و شاهو) و شش دهستان (دهستان‌های بدر، حسن‌آباد، زال‌آب، دولت‌آباد، قوری‌قلعه و منصورآقایی) می‌باشد.

روش پژوهش تحقیق حاضر از نوع ترکیبی آمی باشد که در آن از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی پژوهش، از تکنیک پرسشنامه‌ای و در بخش کیفی، از روش نظریه داده بنیاد (GTM) استفاده شده است. در پژوهش حاضر از نوع‌شناسی (Creswell et al, 2003) و به‌طور خاص طرح متوالی - تبیینی بهره گرفته شده است. بدین صورت که ابتدا با توزیع و تکمیل پرسشنامه (به‌عنوان ابزار بخش کمی) به سنجش امنیت غذایی در میان سرپرستان خانوارهای روستایی دهستان بدر پرداخته شده، سپس به واکاوی چالش‌های امنیت غذایی در بین ساکنان محدوده مورد مطالعه با استفاده از روش نظریه داده بنیاد (GTM) پرداخته می‌شود و در نهایت هر دو تحلیل، به طور هم زمان مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. در بخش کمی، جامعه‌ی آماری تحقیق را کلیه‌ی سرپرستان خانوار روستایی ساکن در ۲۴ نقطه روستایی دهستان بدر (۱۱۴۱ نفر) تشکیل می‌دهد که با استفاده از جدول (Bartlett et al, 2001)، ۱۷۵ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه آماری برآورد شده‌اند. جهت توزیع پرسشنامه‌ها، کلیه روستاهای دهستان مد نظر بوده و در هر روستا حداقل ۵ نفر از سرپرستان خانوار به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. در این بخش از پژوهش، ابزار اصلی پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای استاندارد و جهانی امنیت غذایی بود که توسط وزارت کشاورزی آمریکا تهیه شده است. این پرسشنامه توانایی اندازه‌گیری شدت ناامنی غذایی و گرسنگی خانوار را داشته و جامعه مورد بررسی را در چهار گروه دارای امنیت غذایی؛ دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی؛ دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط؛ و دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید؛ گروه‌بندی می‌نماید (جدول ۲). این پرسشنامه دارای ۲ بخش است. بخش اول برای همه خانوارها و بخش دوم برای خانوارهای دارای فرزند زیر ۱۸ سال تکمیل می‌شود. امتیازدهی به این پرسشنامه به این شرح است: به گزینه‌های "اغلب اوقات درست"، "بعضی اوقات درست"، "تقریباً هر ماه"، "برخی ماه‌ها" و "بله" امتیاز مثبت (نمره ۱) و به پاسخ‌های "درست نیست"، "تنها ۱ یا ۲ ماه" و "خیر" امتیاز منفی (نمره صفر) تعلق می‌گیرد (جدول ۲). علی‌رغم استاندارد بودن پرسشنامه مذکور، روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعات متعددی (رامش و همکاران، ۱۳۸۸، فروتن‌فر، ۱۳۹۲؛ سواری و همکاران، ۱۳۹۳) تأیید شده است.

جدول ۲- وضعیت امنیت غذایی خانوار

وضعیت امنیت غذایی	کد	تعداد پاسخ مثبت
امن غذایی	۰	خانوار دارای فرزند زیر ۱۸ سال (امتیاز کل: ۱۸) / خانوار فاقد فرزند زیر ۱۸ سال (امتیاز کل: ۱۰)
ناامنی غذایی بدون گرسنگی	۱	۲-۰ / ۷-۳
ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	۲	۸-۶ / ۱۲-۸
ناامنی غذایی با گرسنگی شدید	۳	۱۳-۱۸ / ۱۰-۹

(Ramesh et al, 2010: 54; Bickel et al, 2000: 4)

در بخش کیفی پژوهش، از روش نظریه داده بنیاد (GTM) استفاده شده است. نظریه داده بنیاد از روش‌هایی است که در تحقیقات کیفی استفاده می‌شود و مبتنی بر رویکرد استقرایی است. این روش‌شناسی به‌طور وسیعی در علوم انسانی مورد استفاده محققان و پژوهشگران قرار گرفته و در سال‌های اخیر در ارتباط با مسائل و چالش‌های توسعه روستایی، توسط محققان

۲- Mixed Method

- ۲- در این مطالعه ابتدا پرسشنامه‌ها بر اساس تعداد سرپرستان خانوار هر روستا توزیع گردید اما با توجه به اینکه روستاهای با جمعیت زیاد (از جمله سه روستای حسن آباد، بدرآباد و خراجیان) تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها را به خود اختصاص داده بودند، لذا محققان با کاهش تعداد پرسشنامه‌های اختصاص یافته به این روستاها سعی کرده‌اند در هر روستا حداقل ۵ پرسشنامه را تکمیل نمایند.
- ۳- خانوارهایی که شواهد بسیار کمی از ناامنی غذایی را نشان می‌دهند و یا در طول سال، ناامنی غذایی را تجربه ننموده‌اند.
- ۴- خانوارهایی که دل‌پس ناکافی بودن غذای خانوار بوده و از طریق پایین آوردن کیفیت غذا و یا کم کردن میزان غذای مصرفی، نسبت به مدیریت وضعیت موجود اقدام می‌نمایند.
- ۵- خانوارهایی که میزان غذای اعضای بزرگسال را کاهش می‌دهند. به طوری که بزرگسالان گرسنگی را بارها تجربه می‌کنند.
- ۶- خانوارهایی که علاوه بر کاهش میزان غذای اعضای بزرگسال، جیره غذایی کودکان را نیز کاهش می‌دهند، به طوری که کودکان نیز تجربه‌های دردناک و فراوانی از گرسنگی دارند.

متعددی، از جمله جغرافیدانان، بکار گرفته شده است. در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها علاوه بر استفاده از مصاحبه عمیق، مشاهده مستقیم و غیرمشارکتی، یادداشت‌های میدانی و بحث گروهی؛ روش‌هایی مانند تهیه عکس و فیلم، مدارک و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی نیز به‌عنوان روش‌های تکمیلی مورد استفاده قرار گرفت. در راستای مطالعه اکتشافی محققین با مطالعه اولیه و پرس‌وجو راجع به روستاهای هدف نسبت به شناسایی افراد کلیدی و مطلع اقدام کردند. در این مرحله کار جمع‌آوری اطلاعات اولیه با ورود به میدان تحقیق آغاز شد. شایان ذکر است در این مرحله نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌گیرد. مصاحبه با افراد کلیدی که به روش گلوله برفی انتخاب شده بودند تا زمانی ادامه داشت که پاسخ‌های آخرین افراد مورد مطالعه با نفر اول مشابه بوده و به‌عبارتی پاسخ‌ها تکرار می‌شدند و در این زمان که محقق در پاسخ به سوالات به اشباع تئوریک رسید، مصاحبه را پایان داده و با بررسی اطلاعات و مشاهده میدانی در روستاها صحت اطلاعات را بررسی و نقاط ضعف و قوت فعالیت خود را بررسی می‌نمود و برای همه افراد مورد مطالعه این روند ادامه داشت. لازم به ذکر است که محققین در روستاهای دهستان بدر، ۲۶ مورد مصاحبه عمیق را با افراد کلیدی روستاها اجرا کرده که اکثراً افراد سرشناس روستا، معتمدین، دهیار و شوراهای روستا بوده‌اند. در مرحله بعد، داده‌های گردآوری‌شده تنظیم و گویه‌ها و مفاهیم نگارش می‌یابد. هدف از این مرحله، ایجاد آشنایی محقق با داده‌ها است. در این مرحله محقق نسبت به پیاده کردن نوارهای صوتی، تصویری، تنظیم یادداشت‌ها حاصل از عملیات میدانی مبادرت نموده و در حین گوش دادن و نگاه کردن به تصاویر به مواردی از قبیل تن صدا و حالات پاسخ‌دهنده با توجه به شرایط مکانی و موقعیت توجه نموده و تفاسیر و برداشت‌های خود را مجدداً یادداشت نموده و نتیجه این مرحله، ثبت نکات کلیدی و برجسته است. سپس داده‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند. اصلی‌ترین فرایند در تئوری بنیانی تحلیل داده‌ها است که مرکز ثقل پژوهش‌های کیفی است. در اینجا سه شکل از کدگذاری وجود دارد که عبارت‌اند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. این کدگذاری‌ها اشکال تجزیه و تحلیل هستند (Strauss and Corbin, 1990). ساختار روش شناختی ترکیبی پژوهش در شکل شماره (۲) قابل مشاهده است.



شکل ۲- مراحل تحلیل روش‌شناختی پژوهش، منبع: Strauss and Corbin, 1990

یافته‌های تحقیق:

نتایج بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد (جدول ۳)، میانگین سنی سرپرستان خانوار دهستان بدر ۳۹/۴ سال بوده و نما (مُد) برای متغیرهای تعداد اعضای خانوار، سطح سواد، جنسیت سرپرست خانوار، تعداد اعضای باسواد خانوار، تعداد اعضای شاغل خانوار و تعداد مغازه، بقالی و فروشگاه در روستاهای دهستان بدر به ترتیب ۵ نفر، سطح دبیرستان، مرد، ۴ نفر، ۱ نفر و ۱ باب بوده است.

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار متغیرهای توصیفی تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	نما	بیشترین	کمترین
سن(سال)	۳۹/۴	۱۰/۰۸	-	۶۳	۲۱
تعداد اعضای خانوار	-	-	۵	۱۲	۱
سطح سواد*	-	-	۴	۶	۱
جنسیت سرپرست خانوار	-	-	۱	۱	۲
تعداد اعضای باسواد خانوار	-	-	۴	۸	۱
تعداد اعضای شاغل خانوار	-	-	۱	۳	۱

تعداد مغازه و بقالی یا فروشگاه	-	-	۱	۵	۰
--------------------------------	---	---	---	---	---

* برای سطح سواد با توجه به اینکه به صورت کیفی برآورد شده است لذا از آماره مد استفاده شده است (۱- بی سواد ۲- ابتدایی ۳- راهنمایی ۴- دبیرستان ۵- دیپلم ۶- تحصیلات دانشگاهی)؛ ** ۱ = مرد و ۲ = زن. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

- بررسی وضعیت امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بدر:

نتایج بررسی وضعیت امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر نشان می‌دهد (جدول ۴)، ۶/۳ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی و ۹۳/۷ درصد سرپرستان خانوار دهستان بدر درجات مختلفی ناامنی غذایی را تجربه می‌کنند. به این صورت که ۹/۷ درصد در شرایط ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۵/۱ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۵۸/۹ درصد در شرایط ناامنی غذایی با گرسنگی شدید قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان چنین عنوان کرد که روستاییان دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی در وضعیت نامساعد و بحرانی قرار دارند.

جدول ۴- طبقه‌بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی دهستان بدر

وضعیت امنیت غذایی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
امن غذایی	۱۱	۶/۳	۶/۳
ناامنی غذایی بدون گرسنگی	۱۷	۹/۷	۱۶
ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	۴۴	۲۵/۱	۴۱/۱
ناامنی غذایی با گرسنگی شدید	۱۰۳	۵۸/۹	۱۰۰
مجموع	۱۷۵	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

جهت تبیین بیشتر موضوع مورد بررسی، در ادامه وضعیت هریک عناصر تشکیل دهنده امنیت غذایی در بین سرپرستان خانوار روستایی دهستان بدر با استفاده از آماره ضریب تغییرات رتبه بندی شده‌اند. نتایج نشان داد (جدول ۵)، مولفه‌های نخوردن غذا به مدت یک روز توسط فرزندان زیر ۱۸ سال، حذف وعده غذا فرزندان زیر ۱۸ سال و گرسنه ماندن فرزندان زیر ۱۸ سال به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۳۲۱، ۰/۳۶۰ و ۰/۳۸۹، دارای بهتری وضعیت و سه مولفه نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی، متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال و کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۴۹۸۳۹، ۰/۴۹۸۳۵ و ۰/۴۹۴، دارای کمترین میزان ضریب تغییرات بوده و بدترین وضعیت را در بین ۱۸ مولفه مورد بررسی داشته‌اند.

جدول ۵- اولویت‌بندی وضعیت مولفه‌های امنیت غذایی در میان سرپرستان خانوار روستایی دهستان بدر

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۰/۳۲۱	۰/۸۳۹	۲/۶۱	نخوردن غذا به مدت یک روز توسط فرزندان زیر ۱۸ سال
۲	۰/۳۶۰	۰/۸۰۴	۲/۲۳	حذف وعده غذا فرزندان زیر ۱۸ سال
۳	۰/۳۸۹	۱/۱۱۷	۲/۸۷	گرسنه ماندن فرزندان زیر ۱۸ سال
۴	۰/۳۹۳	۰/۹۰۹	۲/۳۱	کاهش حجم غذا فرزندان زیر ۱۸ سال
۵	۰/۴۰۲	۰/۸۳۴	۲/۰۷	نخوردن غذا به مدت یک روز در بزرگسالان
۶	۰/۴۰۵	۰/۸۸۴	۲/۱۸	تعداد دفعات حذف وعده غذایی فرزندان زیر ۱۸ سال
۷	۰/۴۰۹	۱/۱۰۱	۲/۶۹	تعداد دفعات نخوردن غذا به مدت یک روز در بزرگسالان
۸	۰/۴۳۲	۰/۹۷۳	۲/۲۵	تعداد دفعات کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان
۹	۰/۴۳۳	۰/۹۹۷	۲/۳	عدم تأمین غذای کافی فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۰	۰/۴۵۳۱	۰/۸۰۲	۱/۷۷	از دست دادن وزن
۱۱	۰/۴۵۳۵	۱/۰۷۵	۲/۳۷	احساس گرسنه بودن
۱۲	۰/۴۵۵	۱/۱۷۱	۲/۵۷	احساس کم خوردن
۱۳	۰/۴۶۴	۱/۲۶۱	۲/۶۹	عدم استطاعت مالی جهت تأمین غذای متعادل
۱۴	۰/۴۶۶	۱/۰۷۳	۲/۳	عدم استطاعت مالی برای تأمین غذای متعادل فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۵	۰/۴۹	۰/۸۸۲	۱/۸	تمام شدن آذوقه و عدم استطاعت مالی برای تأمین دوباره
۱۶	۰/۴۹۴	۰/۹۲۹	۱/۸۸	کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان

۱۷	۰/۴۹۸۳۵	۱/۰۵۹	۲/۱۲۵	متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال
۱۸	۰/۴۹۸۳۹	۰/۹۳۲	۱/۸۷	نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

- بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی:

جهت بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی، از تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد (جدول ۶)، سطح معناداری حاصل شده بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان چنین عنوان کرد که بین ۲۴ سکونتگاه روستایی دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی، تفاوت معناداری وجود ندارد و روستاهای دهستان بدر به لحاظ وضعیت امنیت غذایی در شرایط نامناسبی قرار دارند.

جدول ۶- بررسی تفاوت بین روستاهای دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی با استفاده از تحلیل واریانس

شاخص‌ها	واریانس	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	sig
امنیت غذایی	بین گروهی	۱۷۲/۲۳۴	۲۳	۷/۴۸۸	۰/۳۵۰	۰/۷۳۲
	درون گروهی	۳۲۲۶/۷۰۳	۱۵۱	۲۱/۳۶۹		
	مجموع	۳۳۹۸/۹۳۷	۱۷۴	-		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

- چالش‌های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بدر:

با توجه به هدف اصلی پژوهش، شناسایی چالش‌های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بدر، داده‌های میدانی گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد ۱۷۱ کد در مرحله اول حاصل شد. جهت رعایت اختصار، محققان به ذکر چند مورد از کدهای باز اکتفا کرده‌اند. (جدول شماره ۸). در ادامه با توجه به تأکیدات پاسخگویان بر گویه‌های مشخص و همچنین، با توجه به مفهوم و بار معنایی گویه‌های ۱۷۱ گویه حاصل شده، محققان آن‌ها را در مرحله کدگذاری محوری در قالب ۳۱ کد طبقه‌بندی کرده‌اند (جدول ۳). در مرحله سوم، با توجه به ارتباط درونی و مفهومی بین ۳۱ کد واقع در کدگذاری محوری، محققان کدهای مذکور را در مرحله کدگذاری انتخابی در شش مفهوم اصلی خلاصه کرده‌اند. به این صورت که چالش‌های امنیت غذایی ساکنین روستایی دهستان بدر در پنج مفهوم ضعف سیاست‌گذاری، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی خلاصه گردید. (جدول شماره ۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۷- کدگذاری باز، محوری و انتخابی چالش های امنیت غذایی در روستاهای دهستان بدر

مفاهیم	کدگذاری محوری (۳۱ کد)	کدگذاری باز (۱۷۱ گوپه)
ضعف سیاست گذاری	ضعف نظام کنترل قیمت ها	توانایی خرید مواد غذایی باکیفیت را نداریم
	افزایش قیمت انرژی	اصلاً ماهی مصرف نکرده ایم
	شرایط نامناسب تسهیلات بانکی	اگر مرزها باز باشند وضعیتمان بهتر است
	ضعف عملکرد مدیران و متولیان امور روستایی
	مکانیزاسیون در کشاورزی و افزایش بیکاری
	ناکارآمدی پارانه ها
	ضعف امکانات زیرساختی
	تکیه بر حمایت های مالی ناپایدار دولتی
	ثابت نبودن مقررات مبادلات اقتصادی مرزی
ضعف شرایط اقتصادی	مقرون به صرفه نبودن فعالیت و سرمایه گذاری در روستا
	فقدان قدرت مالی
	پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی
	نبود فرصت های شغلی
	عدم امنیت شغلی
	بالا بودن قیمت مواد غذایی
	ناتوانی در دستیابی به ترجیحات (اولویت ها) غذایی
نارسایی ها و مخاطره های محیطی	فاصله از بازار
	خشکسالی
	کاهش نزولات جوی
	تغییرات نامناسب شرایط اقلیمی
موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی	کاهش کیفیت زمین ها و قوت مراتع
	تغییر فرهنگ تغذیه
	ضعف فرهنگ تغذیه
	قطعه قطعه شدن اراضی (به علت ارث)
ناپایداری کشاورزی	تضعیف فرهنگ همیاری
	نداشتن برنامه غذایی
	از بین رفتن دامداری
	تغییر محسوس فصلی قیمت ها	در فصل تابستان قیمت همه اقلام خوراکی مناسب است
کشاورزی	کم بودن زمین در اختیار کشاورزان	چشمه های روستا خشک شده است
	فروسله بودن تجهیزات کشاورزی	ما کدخدای این ضرب المثل هستیم «بر آن کدخدا زار باید
	فروش دارایی ها	گریست؛ که دخلش بود نوزده خرج بیست»

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

- ضعف سیاست گذاری:

یافته ها نشان می دهد طی دهه گذشته در روستاهای دهستان بدر، با اعمال سیاست های مکانیزاسیون در بخش کشاورزی، روستاییان به استفاده از ادوات کشاورزی نوین از جمله کمباین، تراکتور و سایر ادوات مرتبط با آن روی آوردند. در حالی که قبل از مکانیزاسیون، هر سال حداقل در اواسط فصل بهار تا پاییز، کل اعضای خانوار به شدت درگیر امور برداشت محصولات زراعی بودند. استفاده از تجهیزات کشاورزی از یک طرف نیاز به نیروی کار را به شدت کاهش داد و موجب بیکاری قشر وسیعی از

روستاییان گردید؛ این در حالی بود که نیروی کار مازاد گرایشی به فعالیت در دیگر بخش‌ها نداشتند. از طرف دیگر استفاده از ادوات کشاورزی نوین، هزینه‌های زیادی را بر دوش خانواده‌های روستایی گذاشت. این مهم همزمان با افزایش قیمت سوخت و برق در دهه اخیر ملموس‌تر شد تا جایی که بعضی از روستاییان عنوان کرده‌اند: «به علت مخارج زیاد استفاده از ادوات کشاورزی، سود حاصل از کشت محصولات در بعضی از زمین‌ها، خیلی کمتر از عواید حاصل از آن می‌باشد». به این ترتیب با بیکاری روستاییان و افزایش هزینه خانوارها، امنیت غذایی آنان به واسطه مکانیزاسیون در معرض خطر قرار گرفت. روستاییان با اشاره به ضعف نظام کنترل قیمت‌ها از سوی نهادهای مرتبط با امور توسعه روستایی عنوان کرده‌اند که محصولات آن‌ها قیمت تضمینی ندارد. همچنین، نظارت ضعیف بر قیمت وسایل مورد نیاز آن‌ها و برخورد ضعیف با گران‌فروشی و کم‌فروشی از دیگر نقاط ضعف سیاست‌های نظارت و کنترل قیمت‌ها است که به طرق مختلفی از جمله افزایش هزینه و کاهش نقدینگی خانوار، تأمین امنیت غذایی روستاییان ساکن در دهستان بدر را تهدید می‌کند. با اجرا شدن سیاست هدفمندی یارانه‌ها، در ابتدا بسیاری از روستاییان به‌ویژه خانوارهای پرتراکم، با دریافت ماهیانه حدود ۴۵ هزار تومان برای هر نفر، از اعمال این سیاست خشنود بودند؛ تا جایی که بعضی از خانوارهای روستایی به درآمد مالی حاصل از یارانه‌ها اکتفا می‌کردند. اما به تدریج با افزایش قیمت انرژی (برق، آب، نفت و گازوئیل) و کالاهای اساسی از جمله نان و دیگر اقلام مورد نیاز، نسبت به اجرای سیاست یارانه‌ها تردید پیدا کرده‌اند تا جایی که چند نفر از روستاییان، عبارت زیر را عنوان کرده‌اند: «اگر با آمدن یارانه قیمت‌ها ثابت می‌ماند، وضعیت بهتری داشتیم». بنابراین سیاست‌های حمایتی و مالی ناپایدار دولت از روستاییان به‌عنوان یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی روستاییان مطرح شد. بررسی‌ها در روستاهای دهستان بدر نشان می‌دهد که قشر جوان و میان‌سال روستاها، با توجه به مشکلات بیکاری و افزایش هزینه‌های زندگی، گرایش خاصی به مبادلات مرزی دارد. با این وجود پایدار نبودن مبادلات مرزی به‌واسطه سیاست‌های امنیتی، روستاییان را با یک نوع کار موقت و لحظه‌ای و به‌عبارت کامل‌تر، اشتغال ناپایدار مواجه ساخته است. همچنین، نبود امکانات زیرساختی در روستاها از جمله مدرسه، مرکز درمانی مجهز، فقدان گازرسانی روستا (علی‌رغم دشتی بودن منطقه و فاصله کم با شهر روانسر) و ... که به‌نوعی سیاست تمرکز خدمات را در مراکز شهری و همچنین، ضعف شدید عملکرد متولیان و سیاست‌گذاران شهرستان روانسر را در توزیع عادلانه خدمات و زیرساخت‌ها نشان می‌دهد که این امر در افزایش هزینه‌های زمانی و مالی خانوارهای روستای دهستان بدر بی‌تأثیر نمی‌باشد. تا جایی که چند نفر از روستاییان عنوان کرده‌اند که: «تا الان بخشدار و رئیس جهاد کشاورزی را ندیده‌ایم؟» «روستایی که در دو کیلومتری شهر قرار دارد، نباید تلفن و گاز داشته باشد؟» با وجود مشکلات مذکور، اکثر روستاییان عنوان کرده‌اند که از شرایط دسترسی و استفاده از تسهیلات بانکی به‌واسطه گرفتن وثیقه‌های سنگین و بالا بودن سود بانکی و همچنین شرایط سخت بازپرداخت وام و بروکراسی اداری، ناراضی هستند. یکی از روستاییان در ارتباط با وضعیت نامطلوب سیاست‌های بانکی گفته است: «از بس سود بانکی زیاد است و شرایط گرفتن وام دشوار است، جرأت گرفتن وام را ندارم». به این ترتیب مروری بر موارد فوق نشان می‌دهد که ضعیف سیاست‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف به طرق گوناگونی از جمله افزایش میزان بیکاری، افزایش قیمت کالاها، تکیه بر منابع مالی ناپایدار و ... با ارتباط زنجیره‌وار و منفی خود با شرایط مالی و درآمدی روستاییان، نهایتاً منجر به تضعیف شرایط اقتصادی روستاییان و تهدید امنیت غذایی آن‌ها شده است.

– ضعف شرایط اقتصادی:

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد وضعیت نامناسب اقتصادی ساکنان روستایی دهستان بدر شرایطی را برای آن‌ها فراهم آورده است که آنان را در دسترسی به مواد غذایی مورد نظر با چالش مواجه ساخته است. در ارتباط با این موضوع ذکر چند نکته اساسی ضروری به‌نظر می‌رسد. اول اینکه از نظر روستاییان، قیمت تولیدات آن‌ها (زرعی و دامی) در سطح پایینی قرار دارد و اکثر فعالیت‌ها در سطح روستا منجر به ورشکستگی فرد می‌شود. چند نفر از اهالی روستا در این باره عنوان کرده‌اند که: «بسیاری از روستاییان ضرر زیادی را از سرمایه‌گذاری در بخش دام و طیور متحمل شده‌اند و الان ورشکسته شده‌اند». همچنین، چند نفر از روستاییان اعلام کرده‌اند: «نه زراعت فایده دارد، نه دامداری، نه کارگری». علاوه بر موارد مذکور، فصلی بودن شدید شغل‌ها، نبود تنوع شغلی در بین روستاییان، روزمزد بودن کارگران، نبود سرمایه و نقدینگی در دسترس روستاییان،

دست به دست هم داده است تا روستاییان در برابر مواد غذایی که قیمت نسبتاً بالایی دارند، سر تسلیم فرو آورده و شرایط نامساعد اقتصادی آن‌ها به عنوان چالشی جدی برای دسترسی به مواد غذایی و امنیت غذایی مطرح گردد. نکته دوم اینکه به واسطه فاصله زیاد روستاییان از بازارهای فروش عمده محصولات زراعی و دامی و انتقال محصولات به بازار، که در مرکز استان قرار دارند، در صورت انتقال فرآورده‌های زراعی و دامی به بازار، روستاییان هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند و در غیر این صورت (این حالت شیوه رایج‌تر است) روستاییان تولیدات خود را به دلالان و واسطه‌ها می‌فروشند. در این ارتباط ذکر این جمله از یکی از روستاییان بسنده می‌کند که گفته است: «سود خرید چند روزه محصولات ما توسط دلال‌ها، بیشتر از زحمت ۹ ماهه ما است». در نتیجه باز هم در این حالت از سود روستاییان کاسته می‌شود و امنیت غذایی آن‌ها را با چالش مواجه می‌کند. سوم اینکه به واسطه عدم سودآوری یا سودآوری اندک فعالیت‌های اقتصادی در روستا، آن‌ها گرایشی به سرمایه‌گذاری در روستا ندارند و به قول یکی از روستاییان: «اگر کسی پولی تهیه کند با آن پول در شهر زمین یا مسکن می‌خرد». چهارم اینکه به واسطه عدم سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی، خصوصی و روستاییان در بخش اشتغال‌زایی، فقدان تنوع شغلی، به علل متعددی از جمله ناآشنایی روستاییان با کارآفرینی و محدودیت‌های طبیعی در چند سال اخیر به واسطه خشکسالی، کمبود آب، کاهش کیفیت زمین‌ها، روستاییان با مشکل عدم پایداری شغلی مواجه هستند. ذکر چند نکته از روستاییان در این ارتباط به درک بیشتر مطالب کمک خواهد کرد: «نه کارخانه‌ای هست نه کارگاهی»، «تعداد زیادی از جوانان روستایی دارای مدرک دانشگاهی هستند که بیکارند». به این ترتیب هر یک از عوامل فوق در به وجود آوردن شرایط اقتصادی ضعیف روستاییان نقش بسزایی دارند و دسترسی به منابع مالی لازم را جهت خرید مواد غذایی لازم و ضروری، با چالش مواجه می‌سازد.

- نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی:

یافته‌های حاصل از مصاحبه با روستاییان دهستان بدر نشان می‌دهد خشکسالی شدید سال ۱۳۸۷ و خشک شدن چشمه‌ها و رودخانه‌های دائمی و فصلی، کاهش میزان بارندگی و بارش نامنظم آن بر روی تولیدات زراعی ساکنین دهستان بدر تأثیر قابل توجهی را برجای گذاشته است. ذکر چند جمله از روستاییان در درک بیشتر این مهم بی‌تأثیر نیست: «چند سالی است که تعداد دفعات بارش برف کمتر از تعداد انگشتان یک دست بوده است»، «اصلاً مثل سابق بارندگی نداریم»، «تا ۱۰ سال پیش، اکثر زارعان حداقل نیم هکتار زمین آبی داشتند ولی الان تعداد کمی از خانوارها زمین آبی دارند». نتیجه آشکار کاهش تولیدات زراعی، کاهش درآمد و در نتیجه کاهش دسترسی روستاییان به مواد غذایی و امنیت غذایی است. علاوه بر موارد فوق سرمایه‌گذاری محصولات، تگرگ و طوفان‌های مکرر از مواردی است که در کاهش تولیدات روستاییان تأثیر بسزایی دارد. اکثر اهالی در این مورد اتفاق نظر دارند که: «طوفان (باد زلان) در زمان ثمردهی محصولات (به‌ویژه محصولات گندم، نخود و جو)، مانع ثمردهی محصولات شده و آن‌ها را سبزه خشک می‌کند». علاوه بر تأثیر منفی عوامل مذکور بر تولیدات زراعی ساکنین دهستان بدر، شرایط محیطی نامساعد بر کیفیت زمین‌ها و مراتع نیز اثر گذاشته تا جایی که بسیاری از روستاییان عنوان کرده‌اند: «به علت کمبود نزولات جوی تنوع مراتع پایین آمده و مراتع مثل سابق، انبوهی و قوت کافی را برای تغلیف دام‌ها ندارند». در مجموع با کاهش میزان بارش، از بین رفتن منابع آبی و تبدیل اراضی آبی به اراضی دیم و ...، تولیدات روستاییان کاهش یافته که در این صورت دسترسی به منابع مالی برای ساکنین دهستان بدر، که شرط اساسی دستیابی به امنیت غذایی است، تهدید می‌گردد.

- موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در روستاهای دهستان بدر به واسطه گذر زمان، شکاف عمیقی بین سلايق و ذائقه‌های غذایی نسل جدید و نسل قدیم ایجاد شده است تا جایی که چند نفر از روستاییان عنوان کرده‌اند که: «فرزندانمان غذاهای محلی و قدیمی را مصرف نمی‌کنند»، «سطح توقعات در مصرف مواد غذایی افزایش پیدا کرده است». به عبارتی در روستاهای مورد مطالعه نوعی تغییر فرهنگ تغذیه اتفاق افتاده و روستاییان را از مصرف غذاهای محلی سنتی از جمله پتله (نوعی غذای

۱ - حالتی است که محصولات زراعی و بوته‌های آن‌ها، به علت گرم شدن هوا و از دست دادن رطوبت، قبل از موعد معمول خشک شده و بازدهی محصولات را به حداقل ممکن می‌رساند. این حالت به اصطلاح "قصیل" هم گفته می‌شود.

محلی)، ذوبینه (ترخینه)، گنر، گلانه، خُوژه و ... که اغلب با مواد لبنی و سبزیجات محلی تهیه می‌شوند، اجتناب می‌نمایند. همچنین، سطح پایین تحصیلات روستاییان به‌ویژه قشر زنان و آگاهی تغذیه‌ای ناچیز آن‌ها در پایین آوردن کیفیت غذاهای طبخ شده بی‌تأثیر نیست. ذکر این جملات مهر تأییدی بر مطلب فوق است: «حقیقتاً برنامه غذایی مشخصی نداریم»؛ «همسر مواد غذایی را که در اختیارش قرار می‌دهم، آنچنان که باید و شاید، استفاده نمی‌کند»؛ «مصرف سبزیجات چندان اهمیتی برایمان ندارد». همچنین، یافته‌ها حاکی از آن بود که در بین ساکنین روستایی دهستان بدر، آداب و رسوم محلی که بر مبنای آن با بهانه‌های مختلف ساکنین دور هم جمع شده و با صرف یک وعده غذایی زمینه همدلی و یکرنگی بیشتری را میان روستاییان به‌وجود می‌آورد، به‌علت بالا بودن هزینه‌های ناشی از تهیه مواد غذایی به شدت ضعیف شده است. همچنین، یکی از پرشورترین رسوم محلی، تقسیم نذور در بین اهالی و کمک‌های غذایی روستاییان به یکدیگر بود، که متأسفانه در حال حاضر در بین روستاییان جایگاهش را از دست داده است. در این رابطه یکی از اهالی عنوان کرد: «رسم و رسومات محلی (مانند نذری‌ها) که به واسطه آن کل اهالی روستا در آن سهیم می‌شدند در حال حاضر تقریباً از بین رفته است»؛ «قبلاً هم‌دلی و یکرنگی مردم در تأمین مایحتاج زندگی، بیشتر بود». از دیگر عوامل منفی فرهنگی که حداقل در دیگر روستاهای کشورمان رایج است و در تضعیف تولیدات زراعی روستاییان ساکن در دهستان بدر ملموس است، قطعه‌قطعه شدن اراضی بین فرزندان به‌واسطه ارث‌بری آنان است که اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن تأکید کرده‌اند. یکی از اهالی عنوان کرد که: «شش هکتار زمین داشتیم و بین ۸ برادر و خواهر تقسیم شد و الان خودم سه فرزند دارم و زمینم بین آن‌ها تقسیم خواهد شد». علاوه بر موارد مذکور، این عامل فرهنگی (ارث‌بری کلیه فرزندان) که در چند سال آتی به قطعه‌قطعه شدن شدید اراضی منجر شده و خواهد شد، تأثیر منفی شدیدی را بر تولیدات زراعی ساکنین برجای خواهد گذاشت و در نتیجه فرایند تأمین مواد غذایی و به‌طور کلی امنیت غذایی را در بین اهالی تهدید خواهد کرد.

- ناپایداری کشاورزی:

نتایج پژوهش نشان داد فروش اراضی توسط روستاییان به‌واسطه ضعف شرایط مالی و خرد بودن اراضی تحت مالکیت به‌ویژه در میان مالکان جدید که به‌واسطه ارث، زمین به آن‌ها تعلق گرفته است، فروش دام‌ها به‌واسطه خشکسالی‌های اخیر و پایین بودن قیمت دام نسبت به هزینه نگهداری آن‌ها و همچنین، تغییر شدید فصلی قیمت محصولات زراعی به‌ویژه افت شدید قیمت‌ها در فصل برداشت محصول، فقدان امنیت کافی در نگهداری دام و محصولات زراعی و ... از علل اصلی ناپایداری کشاورزی در بین ساکنین محدوده مورد مطالعه هستند. چنانچه اهالی در این رابطه عنوان کرده‌اند: «چون زمین کم صرفه اقتصادی ندارد اکثر آن را می‌فروشند»؛ «در سال ۱۳۸۷ به علت خشکسالی اکثر دام‌هایشان را فروختند و بعد از آن، توان خرید مجدد دام را نداشتند»؛ «طی فصول مختلف قیمت محصولات به شدت نوسان دارد و نمی‌دانیم سال بعد چی بکاریم»؛ «روی کشاورزی با این شرایط، اصلاً نمی‌توان حساب باز کرد»؛ «سارقان هر چند وقت یکبار دام‌ها و یا محصولاتمان را به سرقت می‌برند». همچنین، یافته‌ها نشان داد طی مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی به علت فرسوده بودن تجهیزات کشاورزی به‌ویژه کمباین، قسمت عمده‌ای از محصولات زراعی از بین می‌رود. چنانچه روستاییان عنوان کرده‌اند: «دستگاه‌های خرمن‌کوب موجود، قسمت زیادی از نخودهایمان را خرد کرد»؛ «مقدار زیادی از محصولاتمان در زمان درو به وسیله کمباین‌های فرسوده از بین می‌رود». به این ترتیب عوامل مذکور دست به‌دست هم داده و با کاهش تولید محصولات و همچنین، کاهش درآمد روستاییان، کشاورزی روستاییان دهستان بدر را سمت ناپایداری سوق داده و امنیت غذایی ساکنین را با خطر جدی مواجه ساخته است.

تفسیر کلی:

نتایج بررسی کمی امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه نشان داد، ۹۳/۷ درصد سرپرستان خانوار دهستان بدر در شرایط ناامنی غذایی قرار دارند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد بین سکونتگاه‌های روستایی مورد بررسی به لحاظ امنیت غذایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و روستاهای دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی به صورت یک‌دست در شرایط نامساعدی قرار دارند. این وضعیت نشان‌دهنده شرایط نامساعد امنیت غذایی سرپرستان خانوار روستایی دهستان بدر در مقایسه با مناطق مختلف

کشور است. شناخت شرایط نامساعد امنیت غذایی به‌تنهایی نمی‌تواند در امر برنامه‌ریزی توسعه امنیت غذایی در نواحی روستایی مفید واقع شود، بلکه برای نیل به این هدف نیاز به مطالعه عمیق چالش‌ها و موانعی که چنین شرایطی را سبب شده‌اند، وجود دارد.

در راستای دستیابی به این مهم، محققان با استفاده از نظریه داده بنیان به بررسی عمقی چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی روستاییان محدوده مورد مطالعه پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که وضعیت نامساعد امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه ناشی از عوامل متعدد و درهم‌تنیده‌ای است که به صورت زنجیره‌واری در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده عبارت‌اند از: ضعف سیاست‌گذاری‌ها، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی. این چالش‌ها را می‌توان مهم‌ترین عواملی قلمداد نمود که در شکل‌گیری وضعیت نامساعد امنیت غذایی دهستان بدر نقش داشته‌اند.

نتیجه‌گیری:

نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد تنها ۶/۳ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی بوده و ۹۳/۷ درصد روستاییان دهستان بدر، درجات مختلف ناامنی غذایی را تجربه می‌کنند. نتیجه حاصل شده با نتایج مطالعات (Sharafkhan et al 2011) در دهستان قره‌سو واقع در شهرستان خوی، (Ferotanfar 2013) در دهستان بالادربند در شهرستان کرمانشاه، (Saadi and Moaddab 2014) در رابطه با زنان سرپرست خانوار شهرستان رزن استان همدان، (Asgharian et al 2013) در ارتباط با خانوارهای روستایی شهرستان کیار، (Savari et al 2014) در بین زنان روستایی شهرستان دیواندره، (Saadi et al 2014)، در رابطه با خانوارهای کشاورز شهرستان قروه، (Rostami et al 2014) در روستای کرناچی واقع در شهرستان کرمانشاه، (Najafianzadeh et al 2015) در خانوارهای روستایی شهرستان اراک و (Siyoum 2012) در روستاهای اتیوپی، که نشان‌دهنده وضعیت نامساعد امنیت غذایی در جوامع مورد مطالعه هستند، همسو می‌باشد. در حالی که نتیجه حاصل شده با یافته‌های مطالعات (Nord et al 2010) و (Bashir et al 2012) که نشان‌دهنده وضعیت قابل‌قبول‌تر امنیت غذایی در آمریکا و ایالت پنجم هستند، همسو نمی‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد سه مولفه نگرانی در مورد تمام شدن مواد غذایی، متکی بودن به غذاهای ارزان قیمت برای فرزندان زیر ۱۸ سال و کاهش حجم وعده غذایی یا حذف وعده در بزرگسالان به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۴۹۸۳۹، ۰/۴۹۸۳۵ و ۰/۴۹۹۴، در بین مولفه‌های ۱۸ گانه امنیت غذایی، در بدترین شرایط قرار دارند. نتایج بررسی تفاوت مکانی بین ۲۴ نقطه روستایی به لحاظ امنیت نشان داد تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ امنیت غذایی وجود ندارد.

پس از بررسی وضعیت موجود روستاهای دهستان بدر به لحاظ امنیت غذایی با داده‌های کمی، محققان در ادامه با استفاده از نظریه داده بنیان به بررسی و تحلیل موانع و چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی در روستاهای دهستان بدر پرداخته‌اند. نتایج تحلیل کیفی داده‌ها نشان داد ضعف سیاست‌گذاری‌ها، ضعف شرایط اقتصادی، نارسایی‌ها و مخاطره‌های محیطی، موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی و ناپایداری کشاورزی، مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر را با مشکل مواجه ساخته‌اند. در مجموع چالش‌های مذکور که به‌نوعی در تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر می‌باشند دست‌به‌دست هم داده و فرایند تأمین منابع مالی لازم را برای تهیه مواد غذایی و امنیت غذایی کامل، که با تعریف جهانی آن تطابق داشته باشد، به چالش کشیده‌اند. با توجه به نتایج حاصل شده، ارائه راهکارهای عملی و منطقی، در راستای تقویت امنیت غذایی روستاییان دهستان بدر، امری ضروری و منطقی است که محققان در ادامه به آن پرداخته‌اند.

توجه به توزیع عادلانه خدمات و پرهیز برنامه‌ریزان شهرستان از اعمال تبعیض در واگذاری امکانات به نقاط شهری و بی-توجهی به نقاط روستایی، اعمال سیاست‌های خرید تولیدات روستاییان با قیمت مناسب که از ضرردهی فعالیت در روستاها جلوگیری نماید، نظارت دقیق‌تر بر قیمت مواد غذایی اساسی ارائه شده به روستاییان توسط فروشندگان مواد غذایی، احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی جهت جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی در این صنایع، تجدیدنظر در خصوص اعمال سیاست هدفمندی یارانه‌ها برای روستاییان که هزینه‌های جاری آن‌ها را به شدت افزایش داده است، احداث بازارهای

محلی و فراهم کردن زمینه ارتباط روستاییان با بازارهای عمده، تشکیل تعاونی‌های فروش تولیدات روستاییان، ترویج فرهنگ کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بین روستاییان از مهم‌ترین راهکارهای غلبه بر چالش‌های سیاست‌گذاری و اقتصادی امنیت غذایی در میان روستاییان دهستان بدر هستند.

ترویج و ترغیب روستاییان به استفاده از بذره‌های اصلاح شده و مقاوم، ممانعت از حفرچاه‌های عمیق که به شدت سطح آب-های سطحی به‌ویژه رودخانه‌ها و چشمه‌ها را کاهش داده است، تشویق و ترغیب روستاییان به استفاده از روش‌های آبیاری نوین (قطره‌ای و بارانی) و کودهای ارگانیک، ممانعت از فعالیت ادوات کشاورزی فرسوده به‌ویژه کمباین‌ها در سطح منطقه، از مهم-ترین راهکارهای برای غلبه بر مشکلات محیطی و ناپایداری کشاورزی در محدوده مورد مطالعه است.

در راستای غلبه بر موانع فرهنگی و تغییرات اجتماعی به عنوان یک چالش مهم امنیت غذایی در محدوده مورد مطالعه، برگزاری کلاس‌های آموزش تهیه مواد غذایی برای زنان روستایی، ترویج و ترغیب روستاییان به استفاده از مواد غذایی محلی، ممانعت از تقسیم اراضی زراعی بین کلیه فرزندان خانوار و خردشدن شدید اراضی، تقویت حس همیاری و مشارکت بین روستاییان با توسعه فعالیت‌هایی که لازمه آن مشارکت و همکاری جمعی روستاییان با یکدیگر باشد، مانند توسعه دامداری به شیوه‌های سنتی و تولید صنایع دستی.

References:

1. Anderman, T.L. Remans, R. Wood, S. DeRosa, K. and DeFries, R. (2014): Synergies and tradeoffs between cash crop production and food security: a case study in rural Ghana, *Food Sec.* 6:541° 554.
2. Anderson, K. and Strutt, A. (2015): Food security policy options for China: Lessons from other countries, *Food Policy*, 49, pp: 50-58.
3. Asgharian Dastenaai, A. Karami, E. and Keshavarz, M. (2013): Determinants of Rural Households' Food Security, *Agricultural Economics*, 7 (1): 87-109. (in Persian)
4. Bala, B.K. Alias, E.F. Arshad, F.M, Noh K.M. and Hadi, A.H.A. (2014): Modelling of food security in Malaysia, *Simulation Modelling Practice and Theory*, 47: 152° 164.
5. Bartlett, J. E. Kotrlik, J. W. and Higgins, C. C. (2001): Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1): 43-50.
6. Bashir, M. K., Schilizzi, S. and Pandit, R. (2012): The determinants of rural household food security in the Punjab, Pakistan: an econometric analysis. Working Paper No.122526, School of Agricultural and Resource Economics, University of Western Australia, Crawley, Australia.
7. Bickel, G. Nord, M. Price, C. Hamilton, W. and Cook, J. (2000): Guide to Measuring Household Food Security, United States Department of Agriculture, Available in: <http://www.fns.usda.gov/guide-measuring-household-food-security-revised-2000>.
8. Creswell, John. Plano Clark, V.L. Guttman, M. L. and Hanson, E. E. (2003): *Advanced Mixed Methods Research Design*. In A.Tashakkori and C. Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
9. Esmailifar, A. (2014): The role of food security in national security, *Economic trend journal*, 63, pp: 40-44. (in Persian)
10. Ferotanfar, L. (2013): The analysis of food security situation and its Factors affecting in rural householders in Baladarband districts, master thesis, Supervisor: K. Zarafshani, agricultural faculty, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University of Kermanshah. (in Persian)
11. Irving Ingram, J.S. (2011): *From Food Production to Food Security: Developing interdisciplinary, regional-level research*, Thesis, Wageningen University, Wageningen, NL (2011).
12. Leunufna, S. and Evans, M. (2014): Ensuring food security in the small islands of Maluku: A community genebank approach, *Journal of Marine and Island Cultures*, 3, pp: 125-133.
13. Mehrabi, H. and Owhadi, A. (2014): Investigation of Effective Factors on Food Security in Iran, *Agricultural Economics*, 8 (Special Issue): 111-121. (in Persian)

14. Msangi, J.P. (2014): Food Security among Small-Scale Agricultural Producers in Southern Africa, Springer International Publishing Switzerland 2014, DOI 10.1007/978-3-319-09495-3.
15. Najafianzadeh, M. Mobarak-Abadi, A. Ranjbaran, M. and Nakhaei, M.R. (2015): Relationship between the Prevalence of Food Insecurity and Some Socioeconomic and Demographic Factors in the Rural Households of Arak, 2014, Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology, 9 (4): 35-44. (in Persian)
16. Nord, M. Coleman-Jensen, A. Andrews, M. and Carlson, S. (2010): Household Food Security in the United States 2009, U.S. Dept. of Agriculture, Econ. Res. Serv. November 2010.
17. Ramesh, T. Dorosty Motlagh, A. R. and Abdollahi, M. (2010): Prevalence of household food insecurity in the City of Shiraz and its association with socio-economic and demographic factors in 2008 Year, Iranian Journal of Sciences & Food Technology, 4(4), 53-64. (In Persian)
18. Rostami, F, Shahmoradi, M. and Baghaei, S. (2015): Factors affecting on rural household's food security (Case study: Karnachy Village in Kermanshah County), IRANIAN JOURNAL OF AGRICULTURA ECONOMICS AND DEVELOPMENT RESEARCH, 45 (4): 725-737. (in Persian)
19. Saadi, H. and Moaddab, H. (2014): Assessment of female-headed household s food security and the affecting factors; Case Study: Women in Razan City. Women in Development & Politics, 11(3), 411-426. (In Persian)
20. Saadi, H. Azizi, M. and Azami, M. (2014): Extension education and food security of farmer households (Case study: Qorveh county, Kurdistan Province), IRANIAN JOURNAL OF AGRICULTURA ECONOMICS AND DEVELOPMENT RESEARCH, 45 (3): 483-499. (in Persian)
21. Savari, M. Shabanali Fami, H. and Daneshvar Ameri, Z. (2014): Analysis Situation Food Security and Factors Affecting Thereon in the Rural Society City of Divandarreh, Journal of Rural Research, 5 (2): 311-332. (in Persian)
22. Seaman, J.A. Sawdon, G.E. Acidri, J. and Pett, C. (2014): The Household Economy Approach. Managing the impact of climate change on poverty and food security in developing countries, Climate Risk Management, 4-5, pp: 59-68.
23. See, L. Fritz, S. You, L. Ramankutty, N. Herrero, M. (2015): Improved global cropland data as an essential ingredient for food security, Global Food Security, 4: 37-45.
24. Seydaei, E. Ghanbari, Y. Jamini, D. and Boshagh, M. (2013): Measuring the Agricultural Sustainability in Rural Areas- A Case Study: Rural Areas of Central District of Ravansar Township, GEOGRAPHY AND ENVIRONMENTAL SUSTAINABILITY, 6 (87-106). (in Persian)
25. Sharafkhani, R. Dastgiri, S. Gharaaghaji Asl, R. and Ghavamzadeh, S. (2011): PREVALENCE OF THE HOUSEHOLD FOOD INSECURITY AND ITS INFLUENCING FACTORS: A CROSS-SECTIONAL STUDY (KHOY CITY-QARESOU-2009), Urmia Medical Journal, 22(2): 123-128. (in Persian)
26. Shtasel-Gottlieb, Z. Palakshappa, D. Yang, F. and Goodman, E. (2015): The Relationship Between Developmental Assets and Food Security in Adolescents from a Low-Income Community, Journal of Adolescent Health 56: 215-222.
27. Siyoum, A.D. (2012): Broken Promises Food Security Interventions and Rural Livelihoods in Ethiopia, PhD thesis, Wageningen University.
28. Smyth, S.J. Phillips, P.W.B. and Kerr, W.A. (2015): Food security and the evaluation of risk, Global Food Security, 4: 16-23.
29. Strauss, A. and Corbin, J. (1990): Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage.
30. Sultana, M.N. Uddin M.M. Ridoutt, B. Hemme, T. and Peters, K. (2015): Benchmarking consumptive water use of bovine milk production systems for 60 geographical regions: An implication for Global Food Security, Global Food Security, 4: 56-68.
31. www.theglobalist.com.